



## معرفی و بررسی کتاب برادری انسان‌ها

علی قنبریان<sup>۱</sup>

منصور رشیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

کتاب برادری انسان‌ها به بحث از صلح و آرامش در بین جوامع مختلف و تقویت آن می‌پردازد. مؤلف کتاب، مرحوم سیدعبدالله انتظام‌وزیری (۱۲۷۴-۱۳۶۲)، از صاحب‌منصبان دوره پهلوی دوم است. انتظام‌وزیری شخصیتی فرهنگی دوست بوده و دارای چندین کتاب و مقاله می‌باشد. ایشان کتاب را بعد از وقوع دو جنگ جهانی نگاشته است. ویرانی‌ها و مصیبت‌های دو جنگ جهانی، سبب نگارش کتاب شده است. این کتاب، به زبان انگلیسی و با عنوان Human Fraternity چاپ شده است. اخیراً کتاب به فارسی برگردان شده و در فروردین ۱۴۰۰ شمسی چاپ و منتشر شده است. در نوشتار حاضر کتاب ترجمه‌شده فارسی (برادری انسان‌ها)، بررسی و تبیین شده است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از روش تبیینی - تحلیلی به پردازش اطلاعات پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** برادری انسان‌ها، سیدعبدالله انتظام‌وزیری، کتاب‌شناسی، صلح، آرامش، جنگ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشگر پسادکتری فلسفه اخلاق دانشگاه تهران Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir

۲. پژوهشگر تاریخ و سرپرست مقبره عیسی خان وزیر Mansoorrashidi2017@gmail.com

صلح و آرامش و جلوگیری از تنش و جنگ و خونریزی، همواره از دغدغه‌های انسان‌های فرهیخته است. صلح و آرامش لازمه پیشرفت فردی و اجتماعی است. در خانه یا جامعه‌ای که دوستی نباشد، آسایشی وجود نخواهد داشت. مسئله صلح و آرامش بعد از ۲ جنگ جهانی اهمیت بیشتری یافت؛ چراکه کشورها طعم تلخ ویرانی و جنگ را چشیدند. از افرادی که به این امر (صلح و آرامش) پرداخته‌اند، سیدعبدالله انتظام‌وزیری است. ایشان در بسیاری از آثار خودش به صورت پراکنده، درباره صلح صحبت کرده است اما کتاب «برادری انسان‌ها» را به این مسئله اختصاص داده است. در این مقاله، کتاب «برادری انسان‌ها» در ۲ بخش معرفی، توصیف، و بررسی شده است و در بخشی مجزا نیز زندگانی (تألیفات و مناصب حکومتی) انتظام بررسی شده است:

بخش اول: شخصیت‌شناسی انتظام‌وزیری / بخش دوم: ساختار کتاب / بخش سوم: بررسی متن کتاب

همچنین برای آشنایی بیشتر با شخصیت انتظام‌وزیری، مقدمه ۲ تن از منسوبان و بستگان وی آورده شده است:

الف) مقدمه دکتر محمود غفاری (خواهرزاده انتظام) / ب) مقدمه مهندس علی محمودی (شاگرد انتظام)

### مقدمه دکتر محمود غفاری

#### متولی موقوفات میرزا عیسی خان وزیر و استاد دانشگاه

در عنفوان جوانی که هر جمعه صبح شادروان پدرم من را به منزل شادروان نصرالله و بعد به سرای عبدالله خان انتظام می‌برد، من به بزرگی و منش انسان‌دوستانه و تواضع این دو شخصیت پی بردم. محبت و صفا و دوستی را در هر دو شخص نسبت به دوستان و یاران که برای دیدار آنان می‌آمدند نظاره‌گر بودم. جدا از مسندهای اداری و کشوری که هر دو در بالاترین سطوح، چه در ایران و چه در مجامع بین‌المللی دارا بودند و همچنین مورد ستایش بسیاری در ایران و میان رهبران جهان بودند، درویش مسلکی به‌خصوص در عبدالله خان زبان‌زد همگان بود. در اسناد بسیاری از دول خارجه از هر دو برادر به نیکی نام برده شده است. این در تاریخ ایران‌زمین از پرافتخارترین جایگاه‌هایی است که شخصی فرهیخته می‌تواند به آن دست یابد. شاید در تاریخ ۲۰۰ سال گذشته ایران هم‌چون جایگاهی به هیچ‌روی جز به این دو برادر تعلق نگرفته باشد.

دو برادر در طریقت درویشی و صوفی‌گری به پایه‌های بسیار بالا نایل آمده و زبان‌زد بودند؛ ولی عبدالله خان بیشتر از نصرالله در آن فعال بود و بیشتر عمر و تمام ثروت خود را در راه حق و مولا علی (ع) و کمک به هم‌نوع و نگاه‌داشتن سرپناهی برای آن کس که محتاج کمک بوده و روزگار بر او سایه تاریکی گسترانده بود، صرف کرد. این دو برادر نکنونام به‌مانند اجدادشان سیدمحمد انتظام‌السلطنه، میرزا عیسی وزیر، و میرزا موسی وزیر و ۳۷ نسل دورتر، ابوذر غفاری، در قرن ۲۰ میلادی هم‌چنان نام خوش و خدمات ارزنده را ادامه دادند. باشد تا این کتاب نشان‌دهنده راه روشنایی و خیر این خاندان و الگویی برای نسل‌های آینده باشد.

## محمود غفاری / لس آنجلس: آمریکا

فروردین ۱۴۰۰ شمسی

## مقدمه مهندس علی محمودی

بسیار خوشوقت هستم که دوست محترم آقای منصور رشیدی و دیگر همکار ایشان، آقای علی قنبریان، با جمع‌آوری اطلاعاتی از شادروان عبدالله انتظام اقدام به چاپ و انتشار این کتاب و در نتیجه معرفی چنین چهره سیاسی و فرهنگی به هموطنان عزیز خصوصاً به جوانان کشور نموده‌اند.

روزی از روزهای دهه ۱۳۴۰ برای خرید از فروشگاه فردوسی که بعداً به فروشگاه شهرروستا تغییر نام پیدا کرد، رفته بودم. پس از پایان خرید یادم افتاد، در کوچه مقابل فروشگاه یکی از دوستان اقامت دارد. به قصد دیدار ایشان وارد کوچه شدم. در ابتدای کوچه چشمم به کارگاه تراشکاری افتاد که مرد میانسالی با لباس کار سُر مه‌ای مشغول سوهان‌کاری روی گیره مخصوص بود. تصویر او را در نشریه آیینی که شرکت نفت چاپ می‌کرد دیده بودم. با کنجکاوی وارد کارگاه شدم. در نگاه اول آقای عبدالله انتظام را که برخلاف عکس‌هایش سیبل پُرپشتی روی لب داشتند شناختم. به ایشان سلام کردم. وقتی به آقای انتظام گفتم پدرم در شرکت نفت کار می‌کند، با بزرگواری و تواضع گفتند: من همکار پدر شما بوده‌ام. وقتی خوشحالی مرا که در سنین جوانی بودم از ملاقات با خودشان دیدند، دعوت به نشستن کردند. مصاحبت و هم‌نشینی با چنین شخصیت برجسته‌ای که سال‌ها در شرکت نفت، وزارت خارجه، و... عهده‌دار مشاغل حساسی بودند برای من افتخار بزرگی بود که بارها تکرار شد. در ملاقات‌هایی که با شادروان انتظام داشتم، ایشان اغلب به خاطرات، علایق، و آرزوهایی که برای پیشرفت ایران داشتند و اقداماتی که در شرکت نفت کرده بودند اشاره می‌کردند. برای آشنایی خوانندگان به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

مرحوم انتظام می‌گفتند: من اصالتاً تفرشی هستم. تفرشی‌ها افراد باهوشی هستند و از میان آنان خانواده‌های نامداری نظیر خاندان کاظمی (از جمله سیدباقر کاظمی وزیر امور خارجه)، خاندان حجازی (از جمله مطیع‌الدوله حجازی، نویسنده)، خاندان سحاب (از جمله استاد ابوالقاسم سحاب، نویسنده و پژوهشگر)، و نیز شعرا، سیاستمداران، پزشکان، و هنرمندان به جامعه ایران تقدیم داشته است. به این خاطر من آرزو دارم برای آگاهی بیشتر مردم خصوصاً جوانان باهوش و مستعد تفرش، فرصت تأسیس یک بنیاد فرهنگی را در تفرش داشته باشم؛ هم‌چنین علاقه دارم در تفرش اقدام به تأسیس و راه‌اندازی یک هنرستان صنعتی برای آموزش جوانان در رشته‌های فنی‌نمایم تا جوانان تفرشی پس از دریافت دیپلم فنی بتوانند به راحتی شغلی برای خود دست‌وپا کنند.

آقای انتظام از آنجا که به آینده جوانان علاقه وافر داشتند در زمانی که مدیرعامل شرکت نفت بودند، دو هنرستان صنعتی در کرمانشاه و مشهد دایر کردند که فرزندان کارکنان صنعت نفت به‌طور شبانه‌روزی و رایگان (محل خواب، غذا، لباس، پول توجیبی



... در آن آموزش‌های فنی را گذرانده و برخی از آنان پس از دریافت دیپلم فنی، بعدها با درجه مهندسی در مشاغل مختلف، به استخدام شرکت نفت در آمدند. یکی دیگر از برنامه‌های سودمندی که در زمان مدیریت آقای انتظام در شرکت نفت اجرا می‌شد، این بود که همه‌ساله اردوگاه مجهزی با استفاده از مربیان و دبیران آزموده در ساحل دریای مازندران در محمودآباد برگزار می‌شد. در این اردوی ۱۵ روزه فرزندان کارگران صنعت نفت اعم از دختر و پسر از سراسر کشور به‌خصوص از مناطق نفت‌خیز جنوب، مهمان شرکت نفت بودند. شرکت‌کنندگان در این اردوها دور از خانواده خود با زندگی اجتماعی، کارهای دستی، کارهای مقدماتی فنی، نقاشی، مجسمه‌سازی، روزنامه‌نگاری و... تا آنجا که در فهم و درک دانش‌آموزان بود، آشنا می‌شدند.

در تمام دیدارهایی که با جناب انتظام داشتم، بیشترین دغدغه ایشان را برنامه‌های تربیت اطفال و نوجوانان می‌دیدم. عقیده داشتند اگر وزارت آموزش و پرورش برنامه صحیحی در تربیت اطفال پیش می‌گرفت و این کار را از روی ایمان پی‌گیری می‌کرد مطمئناً برای نسل آینده جوانانی شرافتمند، متعهد، و ذی‌قیمت به جامعه تحویل می‌داد. در همین زمینه گاهی ایشان از کسانی گله می‌کردند که آنان به‌جای دادن آموزش‌های معنوی به جوانان، با ایجاد کانون‌های جهالت، مروج آموزه‌های خرافی و جهالت می‌شدند.

آقای انتظام عقیده داشت، زمامداران کشورها می‌توانند تمام برنامه خود را در یک جمله خلاصه کنند: «ایجاد سعادت افراد ملت». به نظر ایشان در این جمله تمام آرزوهای یک ملت نهفته است. سعادت عینی زمانی است که افراد دارای معیشت مرفه باشند تا از نظر مادی در تنگنا نباشند. زمانی که مردم از حیث معیشت مشکلی نداشته باشند راحت‌تر به سوی آموزش‌های اخلاقی و معنوی کشیده خواهند شد.

شادروان انتظام یک‌بار در مورد تحولات اداری می‌گفتند: تجمل‌پرستی در ما، چه در افراد و چه در دستگاه‌های دولتی به‌حدی رسیده که من از عاقبت آن هراس دارم. برخی از مسئولان ادارات به‌جای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، به‌خاطر چشم و هم‌چشمی، اتاق کار خود را بزرگ‌تر می‌کنند، وسایل گران‌قیمت در آن جای می‌دهند. هر رئیسی می‌خواهد وسایل دفترش از وسایل رقیب چشم‌گیرتر باشد. صحبت از انقلاب اداری می‌کنند، سمینار تشکیل می‌دهند، از اطراف و اکناف کشور آمدند و نشستند و گفتند و برخاستند اما از این جلسات چیزی عاید کشور نشد.

همان‌طور که می‌دانید جناب انتظام سال‌ها در وزارت امور خارجه بودند و به‌عنوان وزیر خارجه و سمت‌های دیگر، سفرهای متعددی به کشورهای خارجی داشتند و با سران و مقامات کشورها مذاکراتی به عمل می‌آوردند. گاهی به آن‌ها اشاره داشتند، از جمله می‌گفتند: یک بار در دیداری که با مولوتف، وزیر خارجه قدرتمند اتحاد جماهیر شوروی داشتم، مولوتف به من گفت: مسائل و اختلافات مرزی بین ما و کشور ایران، پس از یک قرن به همت شما حل شد ولی ما (اتحاد شوروی) چه باید بکنیم که باز هم روابط ما با ایران بهتر شود؟ در پاسخ به مولوتف گفتم: ما کاری نداریم بکنیم، شما با توجه به سوابق شوروی در زمان اشغال آذربایجان، بایستی اعتماد ایرانیان را بیشتر جلب کنید.

مرحوم انتظام یک‌بار وقتی به خاطرات خود از وزارت امور خارجه اشاره می‌کردند، گفتند: نویسنده بزرگ ایران، صادق هدایت، مدتی در وزارت خارجه کارمند آقای انتظام بود. ایشان از صادق هدایت به‌عنوان کسی که دارای هوش سرشار و طبع شوخ و ویژه‌ای داشت، یاد می‌کرد. در پایان یادی کنیم از برادر کوچک‌تر آقای انتظام، شادروان نصرالله انتظام که به دیپلمات شیک‌پوش شهرت داشت و تنها ایرانی بودند که به مقام رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیدند. روان دو برادر شاد.

علی محمودی / کارمند شرکت ملی نفت

تهران / فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



سید عبدالله انتظام وزیری  
(تولد: ۱۳۶۴/۰۱/۰۶ و، شفات: ۱۳۶۲/۰۱/۰۲ش)

## بخش اول: شخصیت‌شناسی انتظام‌وزیری

انتظام‌وزیری (۱۲۷۴-۱۳۶۲)، سال‌ها مشاغل حساس سیاسی و کنسولی و سفارت ایران در کشورهای مختلف و ریاست ادارات مختلف وزارت امور خارجه و مأموریت‌های سیاسی در آلمان و آمریکا را به عهده داشت (نراقی و غفاری، خاندان غفاری کاشان: ۲۹). انجام کارهای اجرایی مانع از فعالیت‌های علمی سیدعبدالله نشد و وی توانست چندین کتاب در قالب تألیف و ترجمه از خود به یادگار گذارد. وی کتاب «سرنوشت بشر» نوشته لکنت دونوئی (اطلاعات کتاب: دونوئی، لکنت، بی‌تا، سرنوشت بشر، مترجم: سیدعبدالله انتظام‌وزیری، بی‌جا، انتشارات صفی‌علی شاه) و نوشته‌های دیگر را، مانند کتاب «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس»، ترجمه کرد. سیدعبدالله انتظام‌وزیری در شعر و ادب مطالعه داشت و از نوشته‌های او می‌توان به سلسله مقالات «نظری تازه به تصوف و عرفان» با امضای لادری اشاره کرد. نشریه عهد ترقی از جمله آثار اوست (سحاب، سالنامه تفرش: ۱۱۳).

### برخی از سمت‌ها:

۱. خادم افتخاری حرم امام رضا در سال ۱۳۳۹
  ۲. وزیر امور خارجه کابینه حسین علاء در سال ۱۳۳۰ شمسی.
  ۳. نایب نخست‌وزیری.
  ۴. نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی.
  ۵. عضو هیئت کارشناسان حل اختلاف و انعقاد قرارداد کنسرسیوم در تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۵۳ (۲۹ تیر ۱۳۳۲).
  ۶. از مشاوران نزدیک شاه و وزیر دربار وقت حسین علاء، در مدت تصدی ریاست شرکت ملی نفت.
  ۷. وزارت امور خارجه در کابینه سرلشکر زاهدی.
  ۸. از اعضای مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
  ۹. رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه تهران.
- بخش دوم: ساختار کتاب

### ۱. اشاره به صلح و آرامش در مکتوبات دیگر

در طول حیات و زندگانی انتظام، ۲ جنگ جهانی انجام شد. ناکامی‌ها و رنج‌های ناشی از جنگ سبب شد که انتظام در دیگر آثار خود به مسئله صلح و اجتناب از جنگ و خون‌ریزی بپردازد. انتظام در یکی از مقالاتش چنین آورده است:

«جنگ و خون‌ریزی از عوامل لاینفک هر ذی‌روحي است، که اساساً ناشی از بخل و حسد و نتیجه حرص و آز است. و به‌طوری این عادت در کمون موجودات جای‌گیر شده که نمی‌توان فرض نمود هیچ‌گاه از عالم برطرف و از میان برود. همین حس شنیع است که گریبان عالم را مکرر به دست جمعی انسان‌های خون‌خوار انداخته و آخرین نمونه آن جنگ کنونی است که کابوس



وحشت آن سال‌های دراز حتی از مغز اخلاف جنگ‌جویان امروزه به در نخواهد رفت ولی این حس مختص به انسان نیست بلکه مابین تمام موجودات ذی‌روح مشترک است و اگر قدری مبالغه نماییم می‌توان گفت جمادات نیز از آن بی‌بهره نیستند؛ ولی این نکته مسلم است که در این طریقه اشرف مخلوقات از اخبث حیوانات گوی سبقت را ربوده است. هر ذی‌روحي برای مغلوب ساختن خصم طریقه خاصی به کار می‌برد و وسیله معینی استعمال می‌نماید ولی از احساسات مشترکه آن‌که هر مخلوقی ساعی است که به نحوی دشمن را مغلوب سازد که حتی المقدور به خودش صدمه وارد نیاید. به این جهت در این صدد است که خصم را از فاصله بعیدی از پای در آورد. اثر هولناک توپخانه و بمباران‌های هوایی و سایر وسایلی که امروزه در جنگ به کار می‌برند، حاکی از همین نظریه است؛ ولی ما انسان‌ها از این راه بر خود نبالیم و مغرور بر این شیوه غیرمرضیه خود نشویم زیرا بعضی حیوانات طبعاً دارای این ذوق [بوده] و فطرتاً صاحب این هنر می‌باشند؛ اگرچه حیوانات تیرانداز و توپچی نادر هستند، ولی مابین آن‌ها استادانی هست که رشک توپچیان امروزه‌اند» (انتظام‌وزیری، حیوانات توپچی: ۳۳۵-۳۳۶).

وی در جایی دیگر گوشزد می‌کند که انسان‌ها در استفاده از سلاح، ظالم‌تر از حیوانات هستند: «روی هم رفته انسان همیشه مقلد حیوانات بوده و طریق آن‌ها را پیموده است ولی چون طبعاً ظالم‌تر می‌باشد، همیشه پای خود را از مقام احتیاج فراتر می‌نهد. مثلاً اگر سوسک به گیج کردن دشمن و خلاصی خویش قانع است، انسان سعی می‌کند با گازه‌ای خفه‌کننده و اشک آور دشمن خود را معدوم و یا لااقل از نعمت بصر محروم سازد» (انتظام‌وزیری، حیوانات توپچی: ۳۳۸).

### نکاتی درباره متن انتظام

۱. مقصود از «جنگ کنونی»، جنگ جهانی اول است. زیرا مقاله انتظام در سال ۱۲۹۷ شمسی، معادل با ۱۹۱۸ میلادی منتشر شده است و جنگ جهانی اول از ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ رخ داد.
۲. عبارت «در این طریقه اشرف مخلوقات» اشاره می‌کند به آیه {فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ} مؤنون: ۱۴/۲۳. ترجمه: پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن: ۳۴۲).
۳. عبارت «ولی این نکته مسلم است که در این طریقه اشرف مخلوقات از اخبث حیوانات گوی سبقت را ربوده است» اشاره است به آیات:

الف) {أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ} اعراف: ۱۷۹/۷. آنها همچون چهارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چراکه با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند!) (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن: ۱۷۴).

ب) {إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا} فرقان: ۴۴/۲۵. آنان فقط همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌ترند! (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن: ۳۶۴).

۲. فصل‌ها و قسمت‌های کتاب برادری انسان‌ها



کتاب به ۳ فصل اصلی و ۲۷ زیرفصل تقسیم شده است. برخی زیرفصل‌ها نیز دارای عناوین جزئی‌تری هستند. عناوین فصل‌ها عبارت است از:

فصل اول: کشمکش ابدی (The Eternal Struggle)؛

فصل دوم: مطالعه علمی بشر (The Scientific Study of Man)؛

فصل سوم: مؤسسه انسان‌پژوهی (The Human Institute).

۳. هدف از نگارش کتاب

انتظام در ۶ فروردین ۱۲۷۴ به دنیا آمده است؛ معادل ۲۶ مارس ۱۸۹۵. وی هر دو جنگ جهانی را درک کرده است.

جنگ جهانی اول: از ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸. این جنگ در سن ۲۰ تا ۲۴ سالگی انتظام رخ داد.

جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۵ میلادی. این جنگ در سن ۴۴ تا ۵۰ سالگی انتظام رخ داد.

کتاب بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ میلادی نوشته شده است. می‌توان به وضوح دریافت که رنج‌ها، ناراحتی‌ها، و خسارات ناشی از دو جنگ جهانی که در زمان انتظام رخ داد، سبب تألیف کتاب حاضر شد. کتابی که درباره برابری، برادری، و دوستی انسان‌هاست و در آن از صلح و آرامش سخن گفته شده است. انتظام با دیدی وسیع این کتاب را نه فقط برای ایران و ایرانیان، بلکه برای تمامی انسان‌های دنیا با هر دین و فرهنگی نوشت و آن‌ها را به صلح و دوستی فراخواند؛ لذا کتاب به زبان انگلیسی که زبان بین‌المللی است، نگاشته شد. در این کتاب بارها به جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم و راهکارهای جلوگیری از جنگی دیگر، اشاره شده است:

«نمونه‌های فراوانی وجود دارد که در طی سی سال گذشته، سرشناس‌ترین دولت‌مردان اشتباهات خیره‌کننده و خطاهای جبران‌ناپذیری داشته‌اند. مجموع این اشتباه‌ها منجر به دسته‌گل جنگ جهانی دوم شد. آن‌ها که به سختی از این جنگ خلاص شده‌اند، انگار که هیچ درسی از آن فرانگرفته‌اند و شتاب‌زده به دنبال جنگ جهانی سوم هستند.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۷۰)

نویسنده در مقدمه مطرح می‌کند، «کتاب او حاصل تجربه‌ها و مشاهده‌هایش، در ۲۵ سال گذشته است و کتاب علمی نبوده و در آن به گردآوری اطلاعات از کتاب‌های علمی پرداخته نشده است»؛ لذا در کتاب هیچ‌گونه پاورقی و ذکر منابع وجود ندارد. بنابراین احتیاج به متمایز کردن پاورقی‌ها نیست زیرا تمامی آن‌ها از مترجم است. البته نویسنده در کتاب صادقانه و بسیار ساده و جذاب تجربیات خویش را مطرح می‌کند و در جمله‌ای مشهور داریم که: «التجربة اکبر برهان»: تجربه بزرگ‌ترین دلیل است. از آنجا که انتظام در ۶ فروردین ۱۲۷۴ به دنیا آمده است، در زمان نگارش کتاب (۱۰ آذر ۱۳۲۹)، ۵۵ سال و چند ماه داشته است. پس، این کتاب حاصل تجربیات بین ۳۰ تا ۵۵ سالگی نویسنده است. از آنجا که این کتاب قبل از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)



شمسی) نگاشته شده است، نقدهایی که بر حکومت‌ها و شیوه حکمرانی زمام‌داران شده است، هیچ‌کدام ناظر به نظام جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه درباره حکومت‌های معاصر با نویسنده یا قبل از وی است.

دلیل اینکه نویسنده کتاب را به زبان انگلیسی نوشته، معلوم نیست و احتیاج به تحقیق و بررسی دارد. تقریباً از این کتاب، یک‌صد نسخه نزد آقای منصور رشیدی موجود است. شاید نویسنده، از این کتاب تعداد بسیار بیشتری چاپ کرده بود و در سفرهای خارجی خویش، کتاب را به مراکز فرهنگی کشورهای دیگر اهدا می‌کرد. چون سبک و سیاق کتاب بین‌المللی است و درباره‌ی رهایی بشر از خودکامگی و فروپاشی است. با توجه به اینکه نویسنده در مراتب بسیار بالای اجرائی کشور، همچون وزارت امور خارجه بود، طبیعتاً سفرهای خارجی بسیاری داشت. در اواخر فصل سوم (مؤسسه انسان‌پژوهی) (Human Institute The)، خطاب به رهبران جهان چنین پیشنهاد می‌کند:

«از صمیم قلب از تمام رهبران، رؤسای کشورها، و تمام افراد صاحب قدرت در امور جهان می‌خواهم که تبدیل به قصاب میلیون‌ها انسان بی‌گناه نشوند. از آن‌ها استدعا می‌کنم که گرد هم بیایند و درباره این دو نکته توافق کنند: تشکیل مؤسسه انسان‌پژوهی بر طبق خطوط کلی ترسیم‌شده در این کتاب و برقراری آتش‌بس به مدت ده سال، حفظ وضعیت موجود، و دستیابی به توافق موقت بین دولت‌هایی که با هم اختلاف نظر دارند.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۶۷-۲۶۸).

۴. استفاده از داستان و تشبیه

تعریف داستان سبب اقناع مخاطب (خواننده یا شنونده) شده و لطافتی به مباحث خشک علمی می‌دهد. در این کتاب، به مناسبت از داستان استفاده شده است؛ مانند داستان «خیاط و دزدیدن تکه پارچه‌ها» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۹۹) مرحوم انتظام گاهی برای بیان مطالب به‌زیبایی از تشبیه و مثال استفاده می‌کند:

الف) نمونه اول:

«دو دسته معارض فریاد می‌زنند و قسم می‌خورند که تنها تکلیف آن‌ها و تمام دشواری‌هایی که متحمل می‌شوند برای بهبود تقدیر انسان است. به‌عنوان یک انسان معمولی، کاملاً سردرگم شده‌ام. گویی شخصی در حال احتضار است که دو پزشک بر بالینش نشسته‌اند و، به جای اینکه کاری برایش انجام دهند، در حال بگومگویی بی‌پایان درباره روش‌های درمانی‌شان هستند، یا مثل دو کودک که موهای هم‌دیگر را می‌کشند و می‌خواهند ثابت کنند که عروسک خودشان قشنگ‌تر است! در همین حین، بیمار جان می‌دهد و عروسک‌ها هم خرد می‌شوند.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۵۹-۱۶۰).

ب) نمونه دوم:

«دولت‌مردان، دانشمندان، و نخبگان عمیقاً گرفتار جاده و مسیر خودشان شده‌اند و نور چراغ‌شان مانع از این می‌شود که دورتر را ببینند.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۷۱)

پ) نمونه سوم:

«ما مبالغ هنگفتی را صرف تخریب کرده‌ایم، زندگی میلیون‌ها نفر را نابود کرده، و شهرها را بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی برپا ساخته‌ایم. دولت‌مردان بزرگ در خاطرات خود این واقعیت‌ها را جوری نقل کرده‌اند که انگار فنجان چای می‌نوشند.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۴۶-۲۴۷).

##### ۵. تاریخ نگارش کتاب

مرحوم انتظام، کتاب انگلیسی Human Fraternity را بین سال‌های ۱۳۲۴ شمسی و ۱۳۴۴ شمسی نگاشته است. یعنی در طول مدت ۲۰ سال. البته ممکن است، کتاب در کمتر از این مدت نگاشته شده باشد و نویسنده مجدداً چند سال بعد کتاب را بازبینی کرده و مطالبی بر آن افزوده باشد. این ادعا (نگارش کتاب ظرف مدت ۲۰ سال)، از سه مطلبی که در کتاب آمده، دانسته می‌شود:

الف) در انتهای فصل اول (کشمکش ابدی / The Eternal Struggle)، چنین آمده است:

«مجدداً باید یادآوری کنم که این پاراگراف زمانی نوشته شد که کنفرانس در حال ترسیم منشور اتحادیه ملل، در سان‌فرانسیسکو بود.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۸۰)

متن منشور ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سان‌فرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد به امضای ۵۰ کشور از ۵۱ کشور اولیه (لهستان در کنفرانس شرکت نکرد) رسید و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم‌الاجرا شد. بنابراین، در سال ۱۹۴۵ میلادی، انتظام در حال نگارش فصل اول از کتابش بود.

ب) در اواخر فصل سوم (مؤسسه انسان‌پژوهی / The Human Institute)، انتظام به تاریخ نگارش تصریح کرده است:

«در پایان این کتاب مختصر، می‌خواهم آزادانه از رؤسای دولت‌های جهان و هیئت‌های نمایندگی‌شان در سازمان ملل متحد و اخواری کنم. آیا آن‌ها واقعاً از وضعیت وحشتناک جهان و وضعیتی که بشریت درگیر آن است باخبرند؟ در هنگام نوشتن این سطور، فوق‌العاده نگرانم. امروز (یکم دسامبر ۱۹۵۰ مصادف با ۱۰ آذرماه ۱۳۲۹)، ابرهای متراکم افق را تاریک کرده‌اند و نمی‌دانم آیا هنوز وقت هست و این کتاب اصلاً دیده خواهد شد؟ با این حال، با روحی آشفته، امیدم را حفظ کرده و سعی می‌کنم باورم را به حسن نیت رهبران مسئولیت‌پذیر نگه دارم.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۶۵)

پ) در اواخر فصل سوم (مؤسسه انسان‌پژوهی) کتاب چنین آمده است:

«در ۲۵ می ۱۹۶۵ (۴ خرداد ۱۳۴۴) مؤسسه انسان‌پژوهی دهمین سال تأسیس خود را جشن می‌گیرد!» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۴۹)

از آنجا که انتظام در ۶ فروردین ۱۲۷۴ به دنیا آمده است، در زمان نگارش کتاب (۱۰ آذر ۱۳۲۹)، ۵۵ سال و چند ماه داشته است.

##### ۶. توجه به دین و مذهب

روح توجه به مذهب و حمایت از آن در این کتاب متبلور است؛ برای نمونه:



الف) نویسنده در اواخر فصل سوم (مؤسسه انسان‌پژوهی)، چنین تصریح می‌کند:

«افراد مذهبی و خدا‌باور نباید از چیزی بترسند. علم و تحقیقات علمی نمی‌تواند به هیچ یافته ضد‌مذهبی برسد.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۲۶۸)

ب) «من هرگز نمی‌خواهم درباره‌ی ماهیت مذاهب مختلف صحبت کنم. این سؤال هیچ تأثیر مهمی در کار ما ندارد و علاوه بر این فراتر از توانایی من است. پس با کمال میل آن را در اختیار فلاسفه و متخصصان الهیات می‌گذارم.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۳۳)

پ) «ادیان بزرگ علی‌رغم زمان، مکان یا محیطشان، نظام اخلاقی خاصی پدید آوردند که در وجوه اساسی‌شان به طرز شگفت‌آوری به یکدیگر شباهت دارند، تا جایی که می‌توان گفت اخلاق دینی، صرف‌نظر از برخی جنبه‌های فرعی، جهان‌شمول است.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۳۴)

ت) «جای تأسف است که تعالیم مسیح، که از سطح اخلاقی بسیار بالایی برخوردار است و به هیچ‌وجه به جنبه‌ی مادی زندگی نمی‌پردازد، چنان تأثیر کمی بر پیروان خود بر جای گذاشته باشد. از عصر مسیحیت، بیشتر جنگ‌ها، و برخی از دهشتناک‌ترین آن‌ها، در میان مسیحیان رخ داده است، و به جای آن که گونه‌ی دیگر خود را پیش بیاورند، شمشیرشان را تاب دادند، اسلحه‌شان را نشانه گرفتند و بمب‌های‌شان را پرتاب کردند. در مقایسه با مسیح، محمد درس اسلام می‌داد. شاید با نگرشی عملی‌تر از مسیح، و با آموزه‌هایی قوی‌تر از تعالیم یهود و مسیحیت، دینی را به ارمغان آورد که در آن مسائل زندگی مادی قرابت نزدیکی با بُعد اخلاقی داشت. او با درک این موضوع که حذف همه‌ی امیال و غرایز ممکن نیست، سعی کرد به آن‌ها جهت دهد، آزادی‌های خاصی برای انسان قائل شود و حتی در بعضی موارد او را ترغیب نماید.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۳۴)

مطالب فوق، به تعلیم مسیح در نهی از خشونت اشاره دارد: «اگر کسی به گونه‌ی راست تو سیلی زد، گونه‌ی دیگر خود را به طرف او بگردان.»

ث) «پیش از آغاز این قسمت، برای اجتناب از انتقاد بی‌مورد، مایلیم بگویم که من احترام بسیار زیادی برای تمامی مذاهب قائلم. اذعان می‌کنم نه تنها سودمندی، بلکه ضرورت مذهب را برای بشریت ارج می‌نهم و شخصاً، برخلاف کسانی که باور دارند به سطح بالایی از هوشمندی نائل شده‌اند و بدون مذهب نیز می‌توانند سر کنند، من انسان معتقدی هستم.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۳۶)

ج) «باور به موجودی متعالی و تأمل درباره‌ی تولد و مرگ، انسان را از همان ابتدا به تفکر درباره‌ی زندگی پس از مرگ واداشت و این ایده در او عمیقاً ریشه دواند. رهبران مذهبی نیز برای کمک به بشر، از وجهه‌ی عملی این ایده سود بردند. اگر زندگی شرافتمندانه‌ای در این کره‌ی خاکی داشته باشید، به بهشت خواهید رفت. اما اگر انسان بدی باشید، جهنم به استقبال‌تان می‌آید. این ترکیب امید و

ترس برای کمک به انسان در جهت بهبود شخصیتش، غلبه بر تمایلات شیطانی‌اش و فرمانبرداری‌اش راهگشا بوده است. «  
(انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۳۷)

نکته ۱. اشاره به آیات و روایاتی که درباره بهشت و جهنم و ویژگی‌های آن دو آمده است.  
نکته ۲. براساس تجربه می‌توان گفت که اگر نگوییم همه انسان‌ها، دست‌کم بسیاری از آن‌ها، تا تشویق یا تنبیهی نباشد، چندان رغبتی به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین می‌توان گفت بدون دین و برخی از آموزه‌های دینی، همچون اعتقاد به عدالت الهی، وجود معاد و حسابرسی به اعمال بندگان، اکثریت مردمان چندان التزامی به اصول و ارزش‌های اخلاقی نخواهند داشت. در واقع مصلحت‌خواهی، خودگرایی، و حب ذات در همه مسائل، از جمله مسائل اخلاقی، گریبان‌گیر عموم انسان‌ها است و کمتر کسی را می‌توان یافت که صرفاً به خاطر عشق به حقیقت و عشق به خداوند، به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای دینی پای‌بند باشد. بسیاری به خاطر شوق به بهشت و نعمت‌های آن و بسیاری دیگر به دلیل هراس از جهنم و نعمت‌های آن است که به رفتارهای اخلاقی تن می‌دهند و خود را مقید به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد می‌کنند. بی‌تردید در این زمینه دین نیز می‌تواند با ارائه تضمین‌های لازم و بیان تأثیرات و فواید دنیوی و اخروی افعال اخلاقی، آدمیان را به سمت عمل به ارزشهای اخلاقی سوق دهد. بنابراین دین با بیان عالی‌ترین وعده‌ها برای انجام کارهای خوب و دردناک‌ترین وعیدها برای ارتکاب کارهای بد، موجب به‌فعلیت‌رسیدن ارزش‌های اخلاقی می‌شود. (مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی: ۱۸۲-۱۸۳)

(چ) «بنابراین تردیدی نیست خدماتی که مذاهب ارائه داده‌اند ارزشی بی‌کران داشته و امروز نیز دارای چنین ارزشی هستند. شایسته است این‌طور نتیجه‌گیری کنیم که اصول بنیادین مذاهب بزرگی که طوفان زمانه را از سر گذرانده‌اند کیفیتی الهی دارد.»  
(انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۴۰)

(ح) «باشد با گفتن این جمله که، مذاهب به خودی خود خوب هستند و این انسان است که بد است، مراتب عذخواهی‌ام را از مذاهب اعلام نمایم.» (انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها: ۱۴۴)  
(خ) انتظام در برخی موارد، بدون اینکه به آیات قرآن تصریح کند، مضامین آیات را در عبارت‌های خویش گنجانده است. مثال:  
«باید اذعان کرد تنها به دلیل باور انسان به خالق که عالم مطلق، قادر مطلق و حاضر مطلق است.»

اشاره است به آیات:

الف) { وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ }. بقره: ۲۳۱/۲ (عالم مطلق)

ب) { وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }. آل‌عمران: ۱۸۹/۳ (قادر مطلق).

۷. ویژگی و مزیت کتاب



ویژگی و به بیان دقیق‌تر، مزیت این کتاب آن است که نویسنده‌اش سال‌ها در مقاطع بسیار بالای اجرایی، در داخل و خارج از ایران، خدمت کرده است و از این طریق تجربیات و توشه‌های بسیاری را در چنددهه گرد کرده است. وی در لابه‌لای مطالب از این تجربیات استفاده کرده است و چنان مسائل بین‌المللی را تبیین، تفسیر، نقد، و حتی به صلابه می‌کشد، که خواننده به راحتی درمی‌یابد که نویسنده مسائل سیاسی و اجتماعی کشور و جامعه بین‌الملل را لمس کرده بلکه جزئی از جریان بوده است و این تفاوت آشکاری دارد با محقق آفتاب‌مهتاب ندیده‌ای که غیر از کنج کتابخانه شخصی‌اش، جایی دیگر نبوده است:

خال مه‌رویسان سیاه و دانه فلفل سیاه هر دو جان‌سوزند، اما این کجا و آن کجا

نقدها و سنجه‌های سیدعبدالله انتظام‌وزیری از رجال سیاست به خاطر نادیده گرفتن مصلحت نوعی و اجتماعی، مصداق این شعر از بوستان سعدی است:

دلیر آمدی سعدیا در سخن چو تیغت به دست است فتحی بکن  
بگو آنچه دانی که حق گفته به نه رشوت ستانی و نه عشو ده  
طمع بند و دفتر ز حکمت بشوی طمع بگسل و هرچه دانی بگوی

(سعدی، بوستان، باب اول در عدل و تدبیر و رأی، بخش ۶: گفتار اندر نظر در حق رعیت مظلوم)

۸. ترجمه کتاب

همان‌طور که بیان شد، سیدعبدالله انتظام کتاب را به زبان انگلیسی نگاشتند. کتاب Human Fraternity، به همت نگارندگان مقاله حاضر (منصور رشیدی و علی قنبریان)، ترجمه و در سال ۱۴۰۰ شمسی در انتشارات میراث فرهیختگان چاپ و منتشر شد.

چند نکته درباره ترجمه کتاب:

در ترجمه متن سعی شد، مراد نویسنده با بیانی ساده و زیبا منعکس شود نه اجتهادات و برداشت‌های شخصی مترجمان؛ زیرا هدف اصلی در ترجمه انتقال معنا و مفهوم است و لفظ را می‌توان فدای معنا کرد (سلیمانی‌پور، پنجاه نکته بنیادی ترجمه: نکته ۳۱).

یکی از مشکلات ترجمه، متفاوت بودن فرهنگ‌های نویسنده و مترجم است. به بیان دیگر، ناآشنایی یا حتی کم‌آشنایی مترجم با فرهنگ نویسنده، ترجمه را تصنعی و در برخی از مواقع مبهم یا مضحک می‌کند. در این باره یکی از ویراستاران پرتوان ایرانی چنین گوید:

«ترجمه با یک مشکل ذاتی و اساسی مواجه است که کاری با توانایی یا ناتوانی مترجم ندارد. گفتمان نوشته‌ها در فرهنگ‌های گوناگون با هم تفاوت دارد.» (صلح‌جو، گفتمان و ترجمه: ۹۶)

نویسنده، اصالتاً ایرانی و بزرگ‌شده ایران است و زبان فارسی زبان مادری وی و زبان انگلیسی زبان دوم ایشان است؛ لذا معضل اختلاف فرهنگی زبان مبدأ با زبان مقصد که مترجمان گرفتار آن هستند، در این ترجمه نبود. نویسنده (سیدعبدالله انتظام) به زبان انگلیسی تسلط بسیاری داشت. وی مدرکی از دانشگاه لسلی آمریکا در زمینه مدیریت اداری بازرگانی داشته و همسر اولش، مارگریت، اصالتی آمریکایی داشت.

در برگردان کردن آیات قرآن به فارسی، از ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی استفاده شد.

### ۱/۸. تصحیح اغلاط

در کتاب انگلیسی Human Fraternity، اغلاطی وجود داشت. مترجمان (منصور رشیدی و علی قنبریان) هنگام ترجمه به اشتباهاتی در کتاب انگلیسی پی برده و از ورود اشتباه در کتاب ترجمه (برادری انسان‌ها) خودداری کردند.  
نمونه:

در کتاب انگلیسی چنین آمده است: «Raised entire cities without much remorse» و ترجمه‌اش می‌شود:

«و شهرها را بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی برپا ساخته‌ایم.»

اما به دلیل فحوای کلام و قرائن لفظی که در جملات قبل آمده است: «ما مبالغه‌نگفتی را صرف تخریب کرده‌ایم، زندگی میلیون‌ها نفر را نابود کرده.»

متن را به این صورت نگاشتیم:

«و شهرها را بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی تخریب کرده‌ایم.»

در واقع فعل انگلیسی «Raised» که در متن اصلی آمده اشتباه است و به جای آن باید فعل «Ruined» آورده شود.

این تغییر در متن اصلی، بنابر مبنای «مخاطب‌محوری» است اما مترجمانی که «متن‌محور» هستند، چنین تغییراتی را در متن روا نمی‌دانند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# برادری انسان‌ها

## Human Fraternity

نویسنده: سید عبداللہ انتظام وزیری



مترجم و محقق:  
استاد منصور رشیدی / دکتر علی قنبریان  
ویراستار: مہندس مہرناز رشیدی

برادری انسان‌ها

سید عبداللہ انتظام وزیری



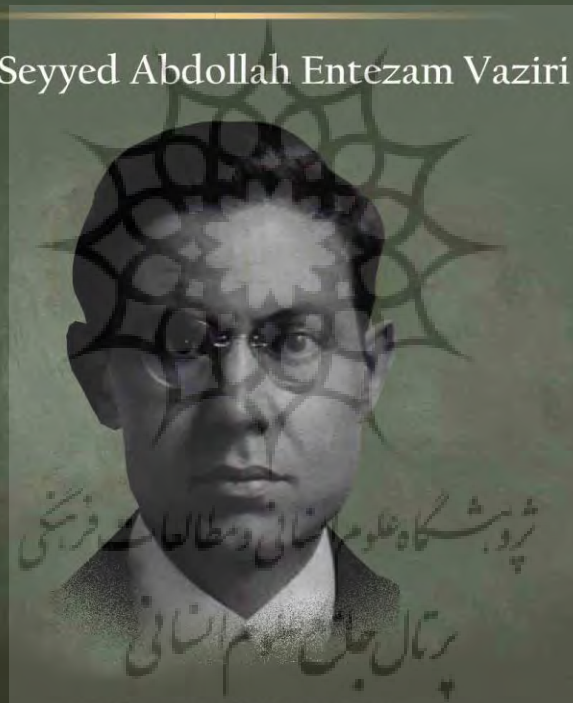
تاریخنامہ خوارزمی - سال نهم - شماره سی و ششم - زمستان ۱۴۰۰





# HUMAN FRATERNITY

Author: Seyyed Abdollah Entezam Vaziri



Collect and Organize:

Mansour Rashidi / Dr. Ali Ghanbarian

Editor: Hamideh Akbari

Introductions by: Dr. Mahmoud Ghaffari / Ali Mahmoudi

HUMAN FRATERNITY

Seyyed Abdollah Entezam Vaziri



معرفی و بررسی کتاب برادری انسان‌ها



۱۸

HUMAN FRATERNITY

از موضوعاتی که مورد بحث دانشمندان گذشته و معاصر قرار گرفته، اساس و پایه رفتار و اخلاق انسان‌هاست. سؤال اینست که ریشه رفتار انسان چیست؟ اصولاً رفتار چگونه در وجود او شکل می‌گیرد؟ رفتارها و خُلقیات به کدام بخش وجودی انسان مربوط می‌شود؟ بعضی از کارشناسان قائل‌اند اساس رفتارهای انسان تفکرات و نگرش‌های او به هستی است؛ بدین معنا که جهان‌بینی هر شخصی موجب رفتارهای مشخصی در او می‌شود. برخی دیگر احساسات و عواطف را در رفتار مؤثر می‌دانند و محرک‌های این بُعد وجودی انسان را تعیین‌کننده می‌دانند که مرکز این کنشها قلب است. نظر برخی دیگر از کارشناسان این است که بعضی از غرائز نیرومند مانند غریزه جنسی ریشه رفتارهای انسان محسوب می‌شود.

قرآن به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی ریشه و اساس رفتارهای انسان را این‌گونه بیان می‌کند: {قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَيْتِهِ}؛ (اسراء: ۸۴/۱۷) ای پیامبر بگو هرکدام براساس شاکله خود رفتار می‌کنید.

چنان‌که ملاحظه می‌کنیم قرآن ریشه رفتار انسان را شاکله معرفی می‌کند. شاکله از ریشه «شکل» بوده و به معنای شکل و فرم است. در اینجا به معنای فرم و شکل درون انسان می‌باشد که در روان‌شناسی به آن شخصیت گفته می‌شود. بنابراین اساس و پایه رفتارهای انسان شخصیت و شاکله اوست. سؤال اینجاست که خود شخصیت در وجود انسان چگونه شکل می‌گیرد؟ در کتاب «محاضرات فی الالهیات» اثر آیت‌الله جعفر سبحانی آمده که: «شخصیت هرکسی معلول سه چیز است که از آن روان‌شناسان با عنوان مثلث شخصیت یاد می‌کنند. آن سه عبارت‌ند از: تعلیم و تربیت، محیط، وراثت».

سیدعبدالله انتظام در کتاب به نقش تعلیم و تربیت، محیط، و وراثت در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها اشاره کرده است. ایشان انسان‌ها را به سه دسته مجزا تقسیم کرده و دربارهٔ دسته دوم گفته است:

«این دسته که بخش اعظم جامعه بشری را تشکیل می‌دهد، شامل عموم مردم بوده و آحاد جامعه خوانده می‌شود. روی هم رفته، افرادی که در این دسته قرار می‌گیرند ذاتاً انسان‌های خوبی هستند؛ حتی اگر بپذیریم که این افراد مانند سایر مردم وارث غرایز اجدادی مان هستند، حداقل می‌توان گفت مجالی برای پرورش غرایز شیطانی با استفاده از هوشمندی صیقل‌نیافته‌شان نداشته‌اند. اقتضای زندگی روزمره، فقدان آموزش، راهنمایی و تجربه مانع از این می‌شود که دیدی باز داشته و مسیر درست را بیابند.»

۲. قدرت تفکر و اندیشه

انتظام‌وزیری در کتاب چنین آورده است:

«هنگامی که انسان تکامل یافت و نعمت تحسین‌برانگیز اندیشه و گفتار به او هدیه شد.»

این عبارت قابل تأمل و نقد و نظر است. اینکه انسان‌های اولیه فاقد گفتار و نوشتن بودند، روشن و بدیهی است. آثار و اشکال و نقاشی‌های برجای‌مانده در غارها و کوه‌ها گواه آن است اما اینکه انسان‌های نخستین را فاقد اندیشه بدانیم، صحیح نیست زیرا

اندیشه و تفکر در ماهیت و تعریف حقیقی (جنس و فصل) انسان اخذ شده است. به بیان دیگر اگر اندیشه را از انسان جدا کنیم، دیگر انسانی باقی نمی ماند.

برای مطالعه درباره ماهیت و اقسام تعریف رجوع کنید به:

مظفر، آموزش آسان منطق: ترجمه و تلخیص کتاب المنطق به صورت پرسش و پاسخ: ۲۰-۲۵

۳. امیال و غرایز

انتظام‌وزیری جنگ و خون‌ریزی و کشت و کشتار را معلول امیالی می داند که در وجود انسان‌ها وجود دارد. امیال انسان‌ها به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) میل‌هایی که مختص انسان‌ها است و در حیوانات نیست، مانند: میل به جاودانگی، خداشناسی، خداجویی، و خداپرستی.

ب) میل‌هایی که بین انسان‌ها و حیوانات مشترک است، مانند: شهوت جنسی و میل به غذا.

انتظام درباره امیال مشترک با حیوانات چنین می نویسد:

«این امیال حیوانی با درجات مختلف بین جانوران نیز وجود دارد. همه ما دیده‌ایم که دو حیوان بر سر لاشه حیوان سومی

می‌جنگند که توسط آن‌ها یا بر سر تصاحب لانه‌ای برای زندگی، کشته شده است. با تماشای یک مرغداری، جنگ مرگ‌بار دو

خروس بر سر یک مرغ را خواهیم دید، درحالی‌که تعداد مرغ‌ها بیش از میل جنسی دو خروس است.»

برای جلوگیری از طغیان غرایز، مطالعه کتب اخلاقی و عمل به آن‌ها مفید و مناسب است.

علم اخلاق اسلامی متکفل متعادل کردن غرایز حیوانی و پرورش و شکوفایی صفات انسانی است. احمد نراقی از دانشمندان

پروانه در دوران قاجار درباره فایده و ثمره علم اخلاق چنین گوید:

«فایده علم اخلاق، پاک ساختن نفس است از صفات رذیله، و آراستن آن به ملکات جمیله، که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر

می‌شود. و ثمره تهذیب اخلاق، رسیدن به خیر و سعادت ابدیه است. و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی‌شود، مگر

اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه معزّا و به تمام اوصاف حسنه محلّی باشد. و اصلاح بعضی صفات یا

در بعضی اوقات، اگر چه خالی از ثمر نیست، ولیکن موجب سعادت ابدیه نمی‌شود. همچنان‌که صحت بدن و نظام مملکت

نیست مگر به دفع جمیع امراض، و اصلاح جمیع طوایف و اشخاص در تمام اوقات.» (نراقی، معراج السعاده: ۳۴).

۴. تجمل‌گرایی

با مطالعه آیات قرآن کریم به این نکته می‌رسیم که تجمل‌گرایی به‌خودی‌خود از نظر فطری بودن، سراسر حقّ است و باطل و

پستی در آن راه ندارد. بنابراین مذموم نیست؛ اما از نظر انتساب به بشر، متناسب با نگرش و استفاده انسان، گاه پسندیده و گاه

ناپسند است. میل پیدا کردن به زیبایی و آرایش ظواهر دنیوی و استفاده کردن از لوازم منزل، لباس‌های زیبا و متناسب و امثال آن

نه تنها مجاز شمرده شده است بلکه به آن توصیه و سفارش شده است؛ همان‌طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: {یا بَنی آدَم



خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...؛ { (اعراف: ۳۱/۷) ای فرزندان آدم در وقت نماز و در مسجد آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) بگیرید. امام جعفر صادق<sup>ع</sup> در همین زمینه فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ. قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يَنْظِفُ ثَوْبَهُ وَ يَطْبِيبُ رِيحَهُ وَ يَحْسُنُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَتَهُ حَتَّىٰ إِنَّ السَّرَّاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»؛ (دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب: ج ۱، ۱۹۵) خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و بینوایی و قیافه فقرآلود را ناخوش می‌دارد. یکی از یاران آن حضرت<sup>ع</sup> سؤال کرد: چگونه؟ آن حضرت در پاسخ وی این موارد را برشمرد:

الف) لباس تمیز پوشیدن؛

ب) خوشبو کردن خود و استعمال عطر؛

پ) نیکو و زیبا کردن خانه و کاشانه؛

ت) جارو کردن جلوی در خانه؛

ث) چراغ روشن کردن پیش از غروب (که موجب رفع فقر و زیادی روزی می‌شود).

تجمل پرست به آرایش‌های افراطی می‌اندیشد و می‌کوشد با رنگ و روغن کاری، قرینه‌سازی و...، ظاهر زندگی را با الگوهای تقلیدی و مد روز و براساس هوس‌های زودگذر خود، هماهنگ سازد. این کار، مایه تفریح و سرگرمی اوست و به تباهی زندگی او می‌انجامد. پیامد پرداختن به نیازهای دروغین، صرف هزینه‌های سنگین، هدر دادن ذخیره‌های اقتصادی و بر جای ماندن فقر و نابسامانی اجتماعی است. از این رو، اسلام با انگیزه تجمل‌پرستی برای پس اندازها، موافق نیست و اجازه نمی‌دهد انسانی که باید برای رسیدن به ایده‌آل‌های مقدّس و الهی، راه تکامل را بیاماید، خویشتن را سرگرم خودآرایی و خودکامگی کند و با این کار، راه را بر زندگی اقتصادی جامعه و کمال خود ببندد. (مرتضوی امیری، تجمل‌گرایی در سبک زندگی اسلامی: پژوهشی در زندگی تجمل‌گرایانه از منظر قرآن کریم: ۲۰-۲۴)

انتظام در چند موضع از کتاب به تجمل‌گرایی اشاره کرده است. وی میل به تجمل‌گرایی را یکی از عوامل جنگ و دشمنی و ستیز می‌داند:

«برای رسیدن به غریزه سوم، یعنی میل به تجمل‌گرایی، که حاصل دو میل نخست (غریزه دفاع از خود و تولیدمثل) به علاوه هوشمندی است، تنها یک قدم فاصله بود. هنگامی که بشر از یک سرپناه، تکه‌ای گوشت یا ماهی برای رفع گرسنگی و یک جنس مخالف برای برآوردن امیال نفسانی خویش اطمینان یافت، از هوش خود برای رفع نیازهایش بهره برد. چند تخته برای محافظت از خود در برابر رطوبت داخل غار گذاشت. آن‌ها را با برگ پوشانید تا نشیمن‌گاه نرم‌تر شود. سعی کرد تا در شکل و رنگ پوست جانوران که در سرما می‌پوشید، ویژگی‌های دیگری بیابد. از ذکاوت خود برای پخت غذاها استفاده کرد و به آن‌ها چاشنی افزود.

زن‌ها نیز به‌جای جواهرات، خود را با دندان حیوان‌ها، استخوان ماهی‌ها، و هسته میوه‌ها آراست‌اند. خلاصه به تناسب افزایش نیازهای بشر و استفاده از هوش بشری در خلق چیزهای جدید، درگیری با همسایگان نیز افزایش یافت.»

۵. علل گرایش به بی‌دینی

انتظام یکی از عوامل بسیار مهم دین‌گریزی افراد جامعه را، رهبران بد معرفی می‌کند. رهبران مذهبی‌ای که گفتارشان با رفتارشان مطابقتی ندارد:

«یکی از دلایل فقدان ایمان [پیروان] و کاهش تأثیرگذاری رهبران، از میان بسیاری ادله دیگر، در این واقعیت ریشه دارد که طی قرون گذشته، بسیاری از این سران مذهبی به‌لحاظ شأن اخلاقی در انجام وظیفه محوله‌شان بی‌لیاقتی نشان دادند و کسی به آن چه توصیه می‌کردند گردن نمی‌نهاد. ادبیات جهان مملو از داستان‌ها و نمونه‌هایی درباره این گرگ‌هاست که لباس میش به تن داشتند. کتاب وزین «کلیدهای پادشاهی» (The Keys of the Kingdom) اثر آرچیبالد جوزف کرونین (A.J. Cronin) کتابی است که در این رابطه باید خواند و درباره‌اش تأمل کرد.

متفکران صادق‌تر به این بدرفتاری‌ها و کاستی‌ها پی برده بودند. آن‌ها متوجه شدند که در میان وارثان بنیان‌گذاران مذهبی، بسیاری افراد بدنامی. آن‌ها درحالی‌که متون مقدس را موعظه می‌کنند، در زندگی شخصی‌شان دقیقاً مسیر عکس را پیش گرفته‌اند.

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

مشکلی دارم ز دانشمندان مجلس باز پرس

توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند»

(حافظ شیرازی، دیوان حافظ: ۳۲۸)

حافظ با این ابیات افرادی را نقد می‌کند که کردارشان بر گفتارشان منطبق نیست. اشاره است به آیه { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ } (صف: ۲/۶۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! (ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

استاد مرتضی مطهری در کتاب ارزشمند «علل گرایش به مادی‌گری» که به همت انتشارات صدرا چاپ و توزیع شده است، به برخی از عوامل روی‌گردانی انسان‌ها از مذهب اشاره کرده است.

۶. ستارگان و سیاره‌ها

در قرآن کریم به نظم در آسمان‌ها و زمین و همچنین آمدوشد منظم شب و روز اشاره شده و انسان‌ها را به تفکر در آن‌ها فراخوانده است: {إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ}. (آل‌عمران: ۱۹۰/۳)



با تأمل در گستردگی و نظم موجود در اجرام آسمانی به ۲ نتیجه واضح و دلچسب می‌رسیم:

### الف) وجود خدا

ستارگان، سیاره‌ها، و به‌طور کلی هر آنچه که در آسمان است، بی‌حساب و کتاب و رها نیست بلکه دارای نظم بوده و حرکات و فعل و انفعالات سنجیده‌ای دارند؛ مانند گردش زمین به دور خودش (که علت به‌وجود آمدن شب و روز است) و گردش زمین به دور خورشید (که علت به‌وجود آمدن سال و چهار فصل می‌باشد). به‌طور کلی علم، محصول نظم است. در بی‌نظمی هیچ علمی به‌دست نمی‌آید. علم طب و پزشکی محصول نظم در بدن انسان است و علم نجوم و هیئت، محصول نظم و انتظام در کرات و اجرام آسمانی است. اگر بین اجرام آسمانی نظم و انتظام نبود، اغتشاش، تصادف، و برخورد به‌وجود آمده و نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شد. اگر فاصله کنونی بین زمین و خورشید حفظ نمی‌شد، و زمین به خورشید نزدیک‌تر می‌شد، همه‌چیز از شدت گرما می‌سوخت و اگر زمین از خورشید دور می‌شد، انرژی خورشید و گرمای آن خاصیت کنونی را نداشت. بنابراین با دیدن نظم موجود در هستی، پی به وجود ناظم و خالق عالم قدرتمند باتدبیری می‌بریم که توانسته، چنین نظم و انتظامی را در هستی (بین کرات آسمانی) به‌وجود آورد. دانشمندان الاهیات از این استدلال در اثبات وجود خدا، با عنوان «برهان نظم» نام می‌برند.

ابن بابویه در «معانی الاخبار» از حضرت امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> نقل کرده است که از حضرت<sup>ع</sup> سؤال کرده شد از اثبات صانع عالم، فرموده است که: «الْبُعْرَةُ تَدُلُّ عَلَى الْبَعِيرِ وَالرَّوْثَةُ تَدُلُّ عَلَى الْحَمِيرِ وَ آثَارُ الْقَدَمِ تَدُلُّ عَلَى الْمَسِيرِ فَهَيْكُلُ عُلُوِي بِهِهِ اللَّطَافَةُ وَ مَرَكَزُ سُفْلِي بِهِهِ الْكِنَافَةُ كَيْفَ لَا يَدُلَّانِ عَلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ» یعنی هرگاه پشگل شتر دلالت کند بر وجود شتر و پشگل خر، دلالت کند بر وجود خر و اثر قدم دلالت کند بر گذشتن صاحب قدم، پس آسمان بلند به این لطافت و زمین در زیر پاها با این هیئت، چگونه دلالت نمی‌کند بر خالق علیم.» (مجلسی، بحارالانوار: ج ۳، ۵۵)

### ب) بی‌اهمیت بودن انسان

نتیجه دیگری که از عظمت آسمان و سیارات و ستارگان و به‌طور کلی، از اجرام آسمانی به‌دست می‌آوریم، خرد و ناچیز و بی‌اهمیت بودن انسان در نظام آفرینش است. محصول اخلاقی این اندیشه، کنار گذاشتن غرور و تکبر و خودخواهی و خودبرتربینی است و به تبع آن کاسته شدن جنگ و خون‌ریزی است. انتظام به نتیجه دوم (بی‌اهمیت بودن انسان) چنین اشاره کرده است:

«انسان، در میان سایر مخلوق‌ها، بر روی سیاره‌ای در میان سایر سیاره‌ها، در منظومه‌ای شمسی در میان سایر منظومه‌ها و در کهکشانی در میان سایر کهکشان‌ها، مخلوق بی‌اهمیت است. بنابراین، مشاهده می‌کنیم که ارزش نسبی او تقریباً هیچ است. وقتی فلاماریون (Flammarion) کتاب خود به نام «ستاره‌شناسی عامه‌پسند» (Popular Astronomy) را منتشر کرد، ایده

اش این بود که، با قراردادن این کتاب در دسترس تعداد زیادی از عموم مردم، قادر خواهد بود به آن‌ها بفهماند چقدر به طرز مضحکی بی‌اهمیت هستند و چقدر دشواری‌ها و کشمکش‌های‌شان بیهوده است.»

## ۷. لذت‌گرایی

لذت و به‌دست آوردن آن و گریز از درد و رنج، به‌طور آگاهانه یا غیرآگاهانه، منشأ افعال حیوانات است. انسان‌ها نیز، به‌عنوان مصداقی از حیوان، از این قاعده مستثنا نیستند. نه تنها افعال ظاهری بلکه امور باطنی و ذهنی نیز تابع لذت هستند؛ همچون: اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، نیات، علاقه‌ها، اراده‌ها، و خواطر ذهنی. لذت از مسائلی است که مورد توجه ادیان بوده و در علوم مختلفی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و فلسفه از آن بحث شده است. مکاتب تربیتی همواره از لذت و بیان مصادیق آن برای انجام فعل اخلاقی و دوری از افعال ناپسند بهره گرفته‌اند. بنابراین، لذت یگانه محرک انسان‌هاست و قسیم آن، یعنی الم و درد، یگانه عامل بازدارنده است.

انسان‌ها لذت و الم را در خود به علم حضوری می‌یافتند و بحث از آن، از گذشته‌های دور مطرح بوده است. لذت‌گرایی با صور و گونه‌های متفاوتی که دارد، در طول تاریخ اندیشه‌های اخلاقی، از سوی تعداد زیادی از فیلسوفان اخلاق مورد تأیید یا توجه قرار گرفته است. تعلق خاطر این فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ به بحث لذت‌گرایی، حکایت از اهمیت این نظریه دارد. اولین مکاتبی که به‌صورت رسمی به این مقوله پرداخت (در صورتی که آموزه‌های پیامبران را به حساب نیاوریم)، عبارت است از:

مکتب کلبی (۴۴۵-۳۶۰ ق.م)؛

مکتب کورنایی (آریستپوسی / لذت‌گرایی حسی ساده) (۴۳۵-۳۵۰ ق.م)؛

مکتب رواقی (۳۳۵-۲۶۴ ق.م)؛

مکتب اپیکوری (۳۴۲-۲۷۱ ق.م).

انتظام به بحث مهم لذت‌گرایی در کتاب اشاره کرده است؛ چراکه یکی از عوامل مهم جنگ و خون‌ریزی بین مردم و جوامع مختلف، به‌دست آوردن لذات بیشتر یا تضاد لذات و منافع است:

«ولی از سویی دیگر، متفکران دیگری از دیرباز معتقدند که انسان ذاتی حیوانی دارد و همیشه به همین شکل باقی خواهد ماند. این متفکران نمونه‌های نادر فوق را استثناهایی می‌دانند که بدون دلیل خاصی، از لذت‌های زمینی پرهیز می‌کنند و شمار اندک‌شان، قاعده نبودن آن‌ها را ثابت می‌کند. با پذیرش این موضوع، آن‌ها معتقدند که انسان، همانند هر حیوان دیگری، باید تا جای ممکن از زندگی لذت ببرد و تنها باید یک نظم کلی حکم‌فرما باشد تا مانع تجاوز افراد از حدود آزادی‌هایشان شود.»

## ۸. تأثیر هیپنوتیزم بر تعدیل غرایز

از نظر انتظام یکی از راه‌های تعدیل غرایز و جلوگیری از خشونت و نفرت، انجام هیپنوتیزم است.



از هیپنوتیزم در علم پزشکی استفاده‌های زیادی می‌شود. هرچه تمرکز سوژه و آرامش ذهنی وی بالاتر باشد، تلقینات در سطح بالاتر و بهتری جذب ضمیر ناخودآگاه سوژه می‌شود. و برای بالا بردن سطح تمرکز، پزشکان از تنفس و تمرکز روی آن استفاده می‌کنند. در کتاب معتبر «راهنمای تلقینات و استعارات هیپنوتیزمی»، که کتاب درسی انجمن علمی هیپنوتیزم بالینی ایران می‌باشد، دکتر ایروینگ ای. سکز و سوت فیلد در کاستن سردرد به وسیله هیپنوتیزم کردن سوژه، گویند:

«پس از اینکه به نظر رسید بیمار در حالت خلسه رضایت‌بخشی قرار دارد، به او گفتم که چند دقیقه وقت دارد و اگر خیلی مایل بود می‌توانست با تنفس آرام‌تر به حالت تن‌آرامی عمیق‌تر فرو برود... تلقینات زیر را ارائه دادم... هر وقت احساس می‌کنی که داری دچار سردرد می‌شوی، به محض اینکه این تجربه را احساس می‌کنی به آرامی، منظم، و عمیق نفس می‌کشی، همان‌طور که الآن نفس می‌کشی. با هر نفس آرام، منظم، و عمیق، احساس اینکه داری سردرد می‌گیری فروکش خواهد کرد... احساس خیلی خوبی داری، با جسم سالم و ذهن سالم.» (هاموند، راهنمای تلقینات و استعارات هیپنوتیزمی: ۱۱۰).

همان‌طور که ملاحظه شد در متن بالا، تلقیناتی در ضمن عمل هیپنوتیزم داده شده است و در آن تلقینات بر مسأله تنفس بر بالا بردن سطح آرامش ذهنی و دفع استرس و تنش، تأکید شده است. انتظام درباره هیپنوتیزم گوید:

«هیپنوتیزم حوزه دیگری در روان‌شناسی است که به‌ویژه برای حصول هدف ما سودمند است. این شاخه نیز زمانی مورد توجه ویژه بود و امید زیادی به آن وجود داشت. تحقیقات مکتب سالپترییر (School Salpetriere) دستاوردهای زیادی داشت و همه در مورد آن صحبت می‌کردند. افسوس که این بار نیز زبان‌بازی پا به میان گذاشت و برتری یافت. اندک‌اندک، امیدها ناامید شد و این موضوع نیز اهمیت خود را از دست داد. اگرچه هیپنوتیزم هنوز هم انجام می‌شود، ولی امید و خوش‌بینی سابق وجود ندارد. با این حال، به یقین می‌توان گفت که اگر تحقیقات جدیدی شروع شود و ایده استفاده از هیپنوتیزم برای سرگرمی در نمایش‌های عمومی و سالن‌های موسیقی کنار گذاشته شود، می‌توان انتظار داشت که به نتایج مثبت و سودمندی برسیم.»

#### ۹. اشاره به مکاتب فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی...

در کتاب به شخصیت‌ها، کتاب‌ها، و مکاتب مختلفی اشاره شده و از آن‌ها نام برده شده است. گاهی نیز نام مکتبی برده نشده است اما با توجه به قرائن و شواهد، می‌توان به مکتبی خاص اطمینان یافت. این‌ها، دلالت بر وسعت مطالعات و اطلاعات سیدعبدالله انتظام دارد.

نمونه:

«از کهن‌ترین دوران، انسان به کشف کلید اسرار پدیده‌های پیرامون خود علاقه داشته و تحقیقاتش کم‌کم منجر به دانش امروزی‌مان شده است. برای مدتی طولانی، آزمایش جایگاه امروز خود را نداشت و علم قدیم ملغمه‌ای از خرافه، حدس، گمان، و آزمایش بود. تفاوتی بین ستاره‌بینی (طالع‌بینی) و ستاره‌شناسی یا کیمیاگری و شیمی وجود نداشت. دست آخر، علم تجربی با





روش‌های هرچه کامل‌تر برتری یافت و روش‌های قدیمی، اندک‌اندک، از تصویر حذف و به‌دست فراموشی سپرده شدند. در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، روش‌های تجربی غالب شده و تنها روش‌های حاکم بودند. ممکن بود این روش‌ها برای همیشه تنها روش‌های تحقیق باقی می‌ماندند.»

به‌احتمال قوی، نظر نویسنده مکتب پوزیتویسم است. از نحله‌های مشهور آن پوزیتویسم منطقی است. هسته اصلی پوزیتویسم منطقی را متفکران حلقه وین تشکیل می‌دادند که شامل رودلف کارنپ، موریتس شلیک، هانس رایشناخ، هربرت فایگل، کورت گودل، هانس هان، فیلیپ فرانک، و اتو نوریث می‌شد. این افراد در سالهای ۱۹۲۲ تا اوایل دهه ۱۹۳۰ در وین دور هم جمع می‌شدند و به تبادل نظر دربارهٔ فلسفه و مبانی علوم جدید می‌پرداختند.

محمدتقی مصباح یزدی درباره عقاید و روش این مکتب گوید:

«بسیاری از اندیشمندان غربی اساساً وجود تصورات کلی را انکار کرده‌اند و طبعاً نیروی درک‌کنندهٔ ویژه‌ای برای آنها به نام "عقل" را نیز نمی‌پذیرند. در عصر حاضر پوزیتویست‌ها همین مشرب را اتخاذ کرده‌اند، بلکه پا را فراتر نهاده، ادراک حقیقی را منحصر در ادراک حسی دانسته‌اند؛ ادراکی که در اثر تماس اندام‌های حسی با پدیده‌های مادی حاصل می‌شود و پس از قطع ارتباط با خارج به‌صورت ضعیف‌تری باقی می‌ماند... آن‌ها تجربه را منحصر به تجربه حسی می‌کنند و به تجارب درونی که از قبیل علوم حضوری هستند وقعی نمی‌نهند و دست‌کم آنها را اموری غیرعلمی قلمداد می‌کنند؛ زیرا به‌نظر ایشان واژه "علمی" تنها شایستهٔ اموری است که قابل اثبات حسی برای دیگران باشد. طبق این گرایش که می‌توان آن را "حس‌گرایی" یا "اصالت حس افراطی" نامید، جای بحث و پژوهش علمی و یقین‌آور پیرامون مسائل ماوراءطبیعت باقی نمی‌ماند و همه مسائل فلسفی، پوچ و بی‌ارزش تلقی می‌گردد. شاید فلسفه هرگز با دشمنی سرسخت‌تر از صاحبان این گرایش مواجه نشده باشد.» (مصباح یزدی، آموزش فلسفه: ج ۱، ۲۱۶-۲۱۷).

### نتیجه‌گیری

دغدغهٔ صلح و صفا و صمیمیت و آرامش در روابط بین انسان‌ها و در ارتباط بین جوامع مختلف، در تمامی کتاب‌ها دمیده شده است. انتظام در کتاب، لازمهٔ رسیدن به آرامش و دوری از جنگ و خون‌ریزی را در خودشناسی (انسان‌شناسی) و سپس خودسازی (تعدیل‌گرایی) می‌داند. با بررسی رهنمودها و راهکارهای انتظام، به‌وضوح به این نتیجه می‌رسیم که ایشان راهکار علم و عمل را برای جلوگیری از خشونت و رسیدن به مدارج عالی انسانی، پیشنهاد می‌دهد. ایشان علم به‌تنهایی را کافی ندانسته و عالمان بی‌عمل را توییح و سرزنش کرده است.

از ویژگی‌های درخور ذکر کتاب برادری انسان‌ها، این است که نویسنده کتاب از صاحب‌منصبان دورهٔ پهلوی اول و پهلوی دوم بوده و با بسیاری از نمایندگان کشورهای دنیا صحبت و مذاکره کرده است. وی در بررسی صلح و آرامش و جلوگیری از جنگ و

خونریزی، از تجربیات دیپلماسی خویش استفاده کرده و در کتاب بازگو کرده است. لذا کتاب صرفاً، بیان مطالعات انتظام نیست بلکه تجربیات یک عمر است.





علی قنبریان و منصور رشیدی  
شهری، ابن بابویه، مقبره سیدعبدالله انتظام‌وزیری  
بهمن ۱۳۹۷ شمسی





شهری، ابن بابویه، مقبره سیدعبدالله انتظام وزیر

## منابع

### قرآن کریم.

- انتظام‌وزیری، سیدعبدالله (آبان ۱۲۹۷). حیوانات توپچی، مجله دانشکده، رنگارنگ، شماره ۶، ص ۳۳۵-۳۳۸.
- انتظام‌وزیری، سیدعبدالله (۱۴۰۰ش). برادری انسان‌ها، مترجم: منصور رشیدی و علی قنبریان، ناظر فنی: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران: میراث فرهیختگان، چ ۱.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵). دیوان حافظ، محقق و مصحح: محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار، چ ۴.
- دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی، چ ۱.
- سحاب، غلامرضا (۱۳۹۳). سالنامه تفرش، سال شانزدهم، دنیای جغرافیای سحاب، چ ۱.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سلیمانی‌پور، روح‌الله (خرداد ۱۳۹۷). پنجاه نکته بنیادی ترجمه، جزوه چاپ نشده.
- صلح‌جو، علی (۱۳۹۶). گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز، چ ۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۲.
- مرتضوی امیری، سیدیوسف (۱۳۹۶ش). تجمل‌گرایی در سبک زندگی اسلامی: پژوهشی در زندگی تجمل‌گرایانه از منظر قرآن کریم، تهران: میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»، چ ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق، محقق: احمدحسین شریفی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۱۸.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۹۶ش). آموزش آسان منطق: ترجمه و تلخیص کتاب المنطق به صورت پرسش و پاسخ، مترجم: علی قنبریان، تهران: میراث فرهیختگان، چ ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چ ۲.
- نراقی، احمد (۱۳۷۸). معراج السعادة، تحقیق و تصحیح: محمد نقدی، قم: هجرت، چ ۶.
- نراقی، حسن و غفاری، فرخ (۱۳۵۳). خاندان غفاری کاشان، با مقدمه ابراهیم غفاری، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- هاموند، کریدون (۱۳۸۴). راهنمای تلقینات و استعارات هیپنوتیزمی، مترجم: مدرسین انجمن علمی هیپنوتیزم بالینی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پردازش هوشمند علائم، چ ۱.

